



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

سخنراڻي

فاطميه روح غدير

«جلسه اول»

حجة الاسلام حامد کاشاني

موسسه تحقيقات رايانه‌اي فاطميه اسفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فاطمیه روح غدیر

نویسنده:

حامد کاشانی

ناشر چاپی:

مؤلف

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	فاطمیه روح غدیر - جلسه اول
۶	مشخصات مقاله
۶	اشاره
۶	اهمیت فاطمیه و مسئله ی شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها
۹	موضوع وحدت
۱۰	جایگاه ولایت در مکتب اهل بیت علیهم السلام
۱۱	آیا مسئله ی فاطمیه تنش زا است؟
۱۴	علت پذیرش بیعت مردم از سوی امیر المؤمنین علیه السلام
۱۶	نقش برجسته ی حضرت زهرا سلام الله علیها در دفاع از حریم ولایت
۱۷	هدف حضرت زهرا سلام الله علیها از مطالبه ی فدک
۱۸	فدک پشتوانه ی ولایت!
۲۰	مناظره حضرت زهرا سلام الله علیها با ابوبکر در مورد فدک غضب شده
۲۲	خبر دادن پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم از شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها
۲۳	علت پافشاری حضرت زهرا سلام الله علیها بر مطالبه ی فدک
۲۴	علت دفن شبانه ی حضرت زهرا سلام الله علیها
۲۵	بیعت نکردن حضرت زهرا علیه السلام و سقوط حکومت ۲۵ ساله ی خلفا
۲۷	جنبه ی سلبی و ایجابی بودن قیام حضرت زهرا سلام الله علیها
۲۸	شهادت بانوی دو عالم، حضرت فاطمه ی زهرا سلام الله علیها
۳۰	درباره مرکز

اولین جلسه از مراسم ایام شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، روز دوشنبه مورخ 30 بهمن 1396 در دفتر نماینده ولی فقیه در استان البرز با سخنرانی «حجت الاسلام کاشانی» پیرامون موضوع «فاطمیه روح غدیر» برگزار گردید که مشروح آن تقدیم می گردد. خیراندیش دیجیتالی: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی - گروه هم پیمانان موعود غدیر.

ص: 1

اشاره

صوت

.Your browser does not support the audio tag

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«أَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (1)

«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي» (2)

«إِلَهِي وَانْطِقْنِي بِالْهُدَى، وَالْهَمْنِي التَّقْوَى» (3)

ص: 1

1-1- سوره ی غافر، آیه 44 /

2-2- سوره ی طه، آیات 25 تا 28 /

3-3- الصّحیفه السّجادیّه، ص 98 /

اهمیت فاطمیه و مسئله ی شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها

یکی از موضوعاتی که بسیار اهمیت دارد راجع به آن گفتگو شود این است ما که به شدت طرفدار وحدت هستیم، نظام ما پرچمدار وحدت اسلامی است، چرا از این مسئله ی شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها کوتاه نمی آییم؟ متأسفم که باید بگویم گاهی ما خاکریزهایی خود را در جاهایی که نباید از دست دادیم. تفکرات مختلفی در این زمینه است. شکی نیست که ما وحدت اسلامی را استراتژی نظام می دانیم، ولی تلقی های مختلفی از این است. بنده می خواهم قدری راجع به کاری که حضرت زهرا سلام الله علیها انجام دادند که به اعتقاد ما بستگی دارد نکاتی عرض کنم که بگویم چرا نمی شود از آن دست کشید. وگرنه پیشنهاد دست کشیدن آن را به ما دادند. ما الآن در تهران دانشکده و دانشگاه هایی داریم که الآن اگر تشریف ببرید برگه ی 4A تسلیت هم اجازه نمی دهند که بنید. پروتکل آن ها است و

در واقع سیاست گذاری های بخش های زیادی از نظام هم توسط آن ها صورت می گیرد. فارغ از این که امشب شب سوم مجلس فاطمیّه ی ولیّ فقیه است. بالاخره اگر نظر شبیه به آن کسی باشد که سالیان اخیر گفت و اخیراً هم از

ص: 2

دنیا رفتند که ماجرای غدیر ماجرای تاریخی است، گذشته است. واقعاً اگر مسئله این طور باشد حق دارند، چون این مسئله، مسئله ی تنش زایی است. برای این که مسئله جا بیفتد من زود وارد بحث می شوم. سخنران شب اول بیت در حضور رهبر انقلاب فرمود فاطمه ی زهرا سلام الله علیها برای بر ملا کردن جریان نفاق و نفوذ که به خانه ی امیر المؤمنین علیه السّلام حمله کردند قیام کرد. این جمله ساده نیست، این حرف تنش زا است! اگر مسئله ی فاطمیّه برای شیعه رکن رکین، اسّ و اساس، اصل نباشد واقعاً نباید روی آن دست گذاشت و از آن دفاع کرد و به آن پرداخت. واقعاً این طور است، بسیار تنش زا است.

چیزی در حدّ این می ماند که نستجیر بالله العظیم یک ناصبی بیاید بگوید نستجیر بالله امیر المؤمنین صلوات الله علیه نفاق داشت و پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلّم را کشت. شما ببینید او چطور برخورد می کنید. شما هر چه رتوش کنید و بخواهید ادب را به خرج دهید موضوع حضرت زهرا سلام الله علیها را یا باید حذف کنید کما این که بسیاری از کشورهای مختلف اسلامی شخصیت ایشان را بایکوت کردند. شبیه این که ما اگر به مردم بگوییم یک دقیقه راجع به امام عسگری صحبت کنید نمی توانند، آن ها هم نمی توانند 30 ثانیه راجع به دختر پیغمبر صحبت کنند و بلکه تخریب های جدّی از زهرای اطهر سلام الله علیها در طول سال ها صورت گرفته شده است؛ هم در دوره ی حیات و هم در دوره ی بنی امیّه.

از امام صادق علیه السّلام روایت داریم که -من روایت را دقیق ترجمه نمی کنم، چون نمی توانم

لغت را ترجمه کنم - حضرت می فرماید در جمیع منبرها به مادر ما جسارت کردند. این برای دوران بنی امیه است. گزارش های تاریخی نشان می دهد در دوره ی بنی عباس هم همین است. حاکم نیشابوری می گوید من گرفتار زمانه ای شدم که اگر کسی بخواهد در دولت بنی عباس پست و مقام پیدا کند باید به فاطمه ی زهرا جسارت کند و بهتان هایی که خدا از او تنزیه کرده است، به او نسبت دهد. این برای حدود سال 400، یعنی دوره ی بنی عباس است. این کتاب موجود است و کتاب شیعه هم نیست. هر چه ما موضوع را روتوش کنیم، این موضوع حساس است، نمی شود کاری کرد. اگر مسئله ی آن مهم نیست باید آن را حذف کنیم. کما این که جریانی که تقریباً سیاست گذار مسائل تقریب در کشور است، تقریباً به این قائل است. عرض کردم در دانکشده های خود اجازه ی کاغذ A4 تسلیم هم نمی دهند.

موضوع وحدت

از آن طرف هم جریان هایی در حوزه پررنگ هستند که وحدت را محال می دانند. حالا به لفظ وحدت و اتحاد و تقریب این ها با تسامح عرض می کنم. در مجموع آن را محال می دانند. این طیف وسط را هم دارد. انصافاً اگر ماجرای حضرت زهرا سلام الله علیها شبیه آن چیزی باشد که این تازه گذشته گفته است که یک مسئله ی تاریخی است، پدر من و این آقا و پدران ما 1330 سال پیش سر یک تکه زمین دعوا کرده باشند، انصافاً جا ندارد که ما مسئله را ادامه دهیم. چند سال درگیری؟! اگر مسئله در این حد باشد که اختلاف بین دو نفر است و تمام شده است. واقعاً باید حق داد که این را

ص: 4

باید حذف کرد. چرا تنش درست کنیم؟ چرا درگیری درست کنیم؟ اما اگر معلوم شود که... ما اگر بین غدیر و فاطمیّه مخیر شویم باز هم فاطمیّه را نگه می داریم، یعنی این قدر جایگاه دارد، آن وقت دست برداری از آن امکان ندارد. یکی این مسئله است. بعد اگر شد باید ببینیم که چه تقریری از وحدت می شود ارائه کرد. بالا-خره دو ولیّ فقیه‌ی که جمهوری اسلامی تجربه کرده است هر دو مراسم فاطمیّه داشتند و هر دو اهل وحدت هم بودند. این چطور جمع می شود؟ یعنی شعاری است؟ فیلم است؟ بالاخره یک چیزی بگوییم در جامعه ی بین الملل خوب باشد! چطور استراتژی نظام است ولی این مسئله هم سر جای خود است؟ این را باید چه کار کنیم؟

جایگاه ولایت در مکتب اهل بیت علیهم السلام

مرحله ی سوم هم این است که اهل بیت چه کار می کردند؟ ما خاکریز خود را از دست دادیم. مسئله ی ولایت در حوزه های علمیّه هیچ کتاب درسی ندارد و وقتی در حوزه های علمیّه برای آن هیچ کتاب درسی نیست، بنده این جا در حضور مخلوط اهل علم و غیر اهل علم؛ البته عالم در رشته های دیگر، نمی خواهم پرده دری کنم که ما از 160 نفر از طلبه های نخبه ی سطح 3 و 4 رشته های تخصصی در حوزه علمیّه ی قم مصاحبه گرفتیم و مستندات آن موجود است. وقتی ولایت کتاب درسی نیست، وقتی حاشیه است، کتاب جنبی است و غیر متخصص می نویسد، وای به حال کتاب های درسی و دانشگاه! اگر این مسئله اساسی است، از ذهن ها رفته است و جای آن باید معلوم شود که کجا است. نتیجه ی آن این می شود که ماه گذشته یکی از اساتید دانشگاه که 200 مقاله ی

حدیثی و قرآنی دارد می گوید این اهل بیت که این قدر اهل مرزبندی نبودند! در دانشگاه امام صادق هم بیان شده است. چون خبری شده است من اسم نمی برم، ولی متن فرمایش ایشان در خبرگزاری ها رفت. ایشان گفت اهل بیت این قدر اهل مرزبندی نبودند! یعنی چه شما یک طوری می گوید کأنه بعد از پیغمبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم... می خواهم بگویم شما اگر راجع به حضرت زهرا سلام الله علیها صحبت کنید باید تعالی آن را هم بپذیرید. شما می گوید بعد از پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم جریان از آن مسیری که پیغمبر اکرم روحی له الفداه می خواست ببرد منحرف شد. یعنی پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم چند نفر را هدایت کرد؟ خروجی نبوت پیغمبر چیست؟ این طور نبوت پیغمبر ناکارآمد می شود! برای این که نبوت پیغمبر ناکارآمد نشود ما چه کار داریم که بیاییم همه را خط کش بگذاریم و بگوئیم چه کسی با ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بود و چه کسی نبود؟ اهل بیت علیهم السلام دنبال این بودند که هر کسی صدق حدیث و ادای امانت و به تعبیر من ناخن های خود را سر وقت می گرفت، این ها جعفری هستند. حالا آن کسی که هفته ای دو دفعه می گرفت جعفری تر بودند، این ها بهتر هستند. این طور خط کشی نکردند که بگویند یک عده هستند و یک عده نیستند. نفی نکردند، مرزبندی نکردند! مسئله ی سوم این است که اهل بیت علیهم السلام واقعاً مرزبندی کردند یا نکردند؟ اهل بیت علیهم السلام چه کار کردند؟

آیا مسئله ی فاطمیه تنش زا است؟

130 سال پیش مرحوم میر حامد حسین رحمت الله علیه که هنوز 40

ص: 6

سال بعد از انقلاب آثاری که او زحمت کشیده است متأسفانه یک بار چاپ حرفی نشده است، زحمت را دیگری کشیده است و ما هنوز بعد از 40 سال کتاب را چاپ حرفی نکردیم چون اهمیت ندارد. باید در مورد مبانی علمی چیزی که اهمیت دارد کار کرد. ایشان می فرماید: «اهل خلاف جای به جای، مجمع ها ساختند، به کار پرداختند و از این طرف کسی به نظر نمی آید». آن موقع که ایشان این حرف ها را می زد شیعیان حکومتی نداشتند. امروز حکومت دست ما است. معلوم هم نیست تا چه زمانی! خدا که ضمانت نامه های مادام العمر نداده است. خلاصه این سه بحث به نظر ما مهم است. چون آن کسانی که دل در گروه نظام دارند، این برای آن ها مسئله است که شما بالاخره با حضرت زهرا سلام الله علیها می خواهید... جایگاه حضرت زهرا سلام الله علیها در عقاید ما کجا است؟ اهمیت دارد یا ندارد؟ حضرت زهرا سلام الله علیها به اندازه ی فرع فقهی می ارزد یا نمی ارزد؟ چقدر از جهت علمی روی آن کار کردیم؟ می ارزد؟! این فاطمیّه که شما می گیرید تنش زا است.

حالا من خدمت شما عرض می کنم. تقریر می کنم و سعی می کنم در کمال ادب تقریر کنم، ولی تنش زا است. این را کنار بگذارید و دعوا درست نکنید. خیلی هم حاضر هستند به ما باج دهند. بروید بررسی کنید اگر ولیّ فقیه روضه ی فاطمیّه ی خود را تعطیل کند ممکن است عربستان بسیاری از اتّفاقات را انجام دهد. ما داریم هزینه می دهیم؟ چرا این هزینه را می دهیم؟ اگر چیز ارزشمندی است می ارزد که هزینه دهیم. اگر نیست بدهیم برود، کوتاه بیاییم.

الا من اصل این که تنش زاست را یک مختصری عرض می‌کنم. اولاً شیعیان همیشه در اقلیت هستند. آن طور که آمارها نشان می‌دهد ما در بهترین حالت بین یک هفتم تا یک دهم جهان اسلام هستیم. چون در اقلیت هستیم یک حرفی داریم می‌زنیم که نفی کننده ی بقیه است. مثلاً شافعی و حنفی گاهی سالیانی همدیگر را زدند، کشتند، تگه پاره کردند، ازدواج با همدیگر را فتوا به حرمت دادند و ما در این زمینه هم خیلی بی توفیق هستیم. این ها آثاری علیه هم نوشتند که الآن به صورت نانوشته با هم امضا کردند که دو طرف منتشر نکنند! همین صاحب صحیح بخاری یک کتاب «الضعفا» دارد که سر یک دعوا منتشر شد وگرنه نسخه ی تحریف شده ی آن منتشر می شد. بخاری صاحب صحیح بخاری کتابی به اسم «الضعفا» دارد. ابو حنیفه امام مذهب حنفی را جرح کرده است. دو تا روایت صحیح آورده است یکی این که «أَسْتَيْبُ أَبُو حَنِيفَةَ مِنَ الْكُفْرِ مَرَّتَيْنِ»⁽¹⁾ او را دو دفعه دادگاه بردند و گفتند کافر است، دو دفعه او را توبه دادند. روایت بعدی این است تابعی مشهور، سفیان ثوری می گوید: «مَا وُلِدَ فِي الْإِسْلَامِ مَوْلودٌ أَشْأَمَ مِنْهُ» شاید این را کسی را در کتاب خطیب خوارزمی شنیده باشد، این مهم نیست. صاحب کتاب صحیح بخاری اسم این فرد را در کتاب ضعفا آورده است، یعنی روایات این فرد مقبول نیست، چه برسد به مرجعیت او!

ما در این هم توفیق نداشتیم که به جای این که خود ما وسط دعوا برویم، سعی کنیم این ها را با خودشان مشغول کنیم. از این نمونه ها فراوان داریم. در عربستان یک قوه ی عاقله است که این

ص: 8

نسخه‌ها را با قیمت گزاف از سراسر دنیا می‌خرد و در کتاب‌خانه‌ی ملک فیصل نگه می‌دارد و به کسی نمی‌دهد، برای این که کسی نفهمد چه خبر است. از این‌ها فراوان است، ولی به قول مرحوم میر حامد حسین رحمت‌الله علیه از این طرف کسی به نظر نمی‌آید؛ از این طرف کسی به فکر نیست. فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله علیها یک کاری کردند که تقریر آن را هر چه من بخواهم مؤدبانه بگویم تنش‌زا است.

علت پذیرش بیعت مردم از سوی امیر المؤمنین علیه السلام

ببینید اگر کسی بخواهد یک حکومت دینی را بی‌آبرو کند هیچ ضربه‌ی مهلکی مانند اتهام مالی نمی‌تواند آن را ساقط کند. مثلاً بگویند فلان طلبه سواد ندارد، خوب ندارد. در بعضی از امور شذوذاتی دارد باز هم اشکال ندارد. اما اگر بگویند دزد است، شما هر چه بگویید نماز اول وقت صبح مسجد هم می‌آید، باز هم می‌گویند که او دنبال این است که اذهان را به سمت خود جلب کند، اعتماد جلب کند و یک کاری کند! هر جایی که تقدّس و تدبّین است، بحث مالی نبود کننده‌ی آن است، هادم آن است. امیر المؤمنین صلوات‌الله علیه وقتی می‌خواستند به حکومت برسند، در آن 25 سال خیلی اتّفاقات افتاده بود. اگر حضرت می‌خواست از بدعت‌ها و از انحرافات بگوید ساعت‌ها می‌توانست صحبت کند.

حضرت علّت آمدن خود را در سه چیز خلاصه کرد. حضرت نمی‌خواست بیاید، شرایط نبود. ایشان را ذیل خلیفه‌ی دوم می‌خواستند تحریف کنند. اگر حضرت می‌خواست آن را بپذیرد 13 سال قبل از این می‌پذیرفت. منتها وقتی حضرت دید شرایط است و عموم مردم و لشکریان آمدند فرمود: «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ

الْحُبَّجَه بِوُجُودِ النَّاصِرِ» (1) یعنی عموم و این خواص. بعد فرمود: «وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ» خدا از علما اخذ میثاق کرده است «أَلَا يُقَارُؤُا» قرار نداشته باشند. عالم هم این جا فقط طلاب نیستند، یعنی کسی که در آن موضوع علم دارد. آن کسی که در بانک است و از قراردادهای بانک خبر دارد، «أَلَا يُقَارُؤُا» خدا از علما اخذ میثاق کرده است «أَلَا يُقَارُؤُا» قرار نداشته باش، معامله نکن. آن کسی که در فلان جا است، هر کسی در هر صنفی که است... قرار نداشته باشند ممکن است کسی بگوید منظور شبهات دینی است؟ چه چیزی «أَلَا يُقَارُؤُا»؟ می فرماید: «عَلَى كَيْفِهِ ظَالِمٍ»؛ «كَيْفِهِ» یعنی خوردن، پرخوری. این هم ظلم است، حضرت روی این دست می گذارند که یک عده می خواهند غارت کنند. این جا کسی حق ندارد آرامش و قرار داشته باشد. من هم به میدان می آیم. برای همین اولین شعار حکومت امیر المؤمنین علیه السلام، بر خلاف آن چیزی که الآن در انتخابات مد شده است وعده ی سر خرمن می دهند و بعد هم منکر آن نمی شوند، امیر المؤمنین علیه السلام وعده نمی دهند، بلکه تهدید می کند. می فرماید من اگر بیایم، مهر همسر شما هم باشد آن را می گیرم و این حدّ اقل به معنای عدم مشروعیت حکومت خلیفه ی سوم است. چون حضرت عطف به ما سبق می کنند. می فرمایند تمام هبه های عثمان را پس می گیرم! در صورت که اگر حکومت مشروع قبلی کاری کرده باشد، جز جایی که خیانت آشکار شود شما نمی توانید ملقی کنید. اگر قرار باشد هر کسی سر کار می آید، بگوید در 40 سالگی هر کسی هر کاری کرد دوباره از اول! نمی شود، مگر این که بگوییم

ص: 10

حکومت قبلی مشروعیت نداشت است. فرمود: «وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يَفَارُّوا عَلَى كَيْفِهِ» آن کسانی که بر کُظهِ ی ظالم خیر دارند، علم دارند قرار نداشت باشند؛ یعنی بر پرخوری ستمگران. «وَلَا سَغَبَ مَظْلُومٍ» یعنی گرسنگی مظلومان. اگر حکومتی دچار این آفت شود دوام آن به خطر می افتد.

متأسفانه این خطر ما را به شدت تهدید می کند. این که در دهه ی مبارکه ی فجر ولیّ فقیه از فساد و تبعیض می گویند این یعنی زنگ خطر! در دهه ی فجر که وقت این حرف ها نیست. همین فرمان را زهرای اطهر سلام الله علیها هم پیش رفتند. حکومت خلفا حکومت دینی است، یعنی حکومت آخوندی است، حکومت سخنران خطبه ی جمعه است، نصب کننده ی قضات است، بستن پرچم به نام پرچم اسلام است. یک حکومت دینی است دیگر. در ادّعا خلافت از پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلّم است و یک حکومت دینی محسوب می شود.

نقش برجسته ی حضرت زهرا سلام الله علیها در دفاع از حریم ولایت

زهرا ی مرضیه سلام الله علیها چون نیرو نداشتند، چون یار نبود...، دو تا لشکر اگر با هم، هم وزن و هم عدّه و عدّه باشند با هم به صورت عادی می جنگند، ولی اگر یک طرف کم و یک طرف زیاد باشد باید عملیات انتحاری کرد تا خط باز شود. زهرا ی مرضیه سلام الله علیها از آبروی خود برای امیر المؤمنین علیه السّلام مایه گذاشت. این که می گوئیم زهرا ی مرضیه سلام الله علیها سپر امیر المؤمنین علیه السّلام است، بیشتر ذهن ما به سمت سپر مادی می رود که آن قسمت هم درست است. حضرت از جان خود برای حفظ جان امیر المؤمنین علیه السّلام مایه گذاشت.

آن چیزی که بیش از آن جگر

من می سوزد این است که فاطمه ی زهرا سلام الله علیها آبروی خود را خرج امیر المؤمنین علیه الصّلاه و السّلام کرد. کاری کرد که موجب نفرت آن جامعه شد. در این حد که حتّی گریه ی او را تحمل نمی کرد! این علامت نفرت است دیگر. این که دختر خلیفه ی اوّل به تابوت این مادر جوان می خندد و مسخره می کند... بلا تشبیه، نستجیر بالله، خاک بر فرق من و تمثیل من، فقط می خواهم تمثیل به ذهن کنم. اگر یک بهایی 18 یا 19 ساله از دنیا برود و چهار دختر و پسر خردسال داشته باشد خیلی بعید است که شما به تابوت او بخندید. چه کینه ای باید ایجاد شده باشد، زهرای اطهر سلام الله علیها باید با این ها چه کرده باشد که در روایات معتبر، یکی دو تا هم نیست، در مجمع الزوائد هیثمی به سند صحیح، اکمال المعلم شرح صحیح مسلم به سند معتبر و جاهای دیگر است. برای چه دختر خلیفه ی اوّل که همسر پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلّم است بخندد و بگوید این را نگاه کن، تابوت یک مادر جوان مانند کجاوه ی عروس است! این علامت ضربه ای است که حضرت زهرا سلام الله علیها زده است.

هدف حضرت زهرا سلام الله علیها از مطالبه ی فدک

کاری که حضرت زهرا سلام الله علیها نشان داده است سنگین بوده است، آن ها واکنش نشان دادند و واکنش از سر انتقام گیری است. دیگر چه نیازی است وقتی از دنیا رفته است یا در حال از دنیا رفتن است شما به تابوت او طعنه بزنید؟ ایشان چه کار کرد؟ ایشان وقتی دید نیرو نیست، کسی نیست، علمداری نیست، مرد در میدان نیست، کاری ترین ضربه ای که

می توانست بزند این بود که بیاید به این ها اَتَّهَام مالی بزند. بله، رسیدیم عرض می کنیم که پس این اَتَّهَامی مالی مباحث سیاسی و ولایی هم بود، ولی خود این اَتَّهَام مالی بسیار سنگین است. چون اگر یک حکومت دینی متَّهَم به مسائل مالی شود برای او آبرویی نمی ماند! حضرت تشریف بردند. کاری کرد که خود امیر المؤمنین علیه السَّلام نکرد. امیر المؤمنین علیه السَّلام وقتی به حکومت رسید فدک دست مروان بود. اصلاً مروان آبروی نداشت، می گرفت هم طوری نمی شد. بعد هم مروان به جمل رفت. او یک فاسد است، یک مفسد است، یک فتنه گر است. فدک هم برای او نبود، از هدایای عثمان بود. مگر امیر المؤمنین علیه السَّلام نفرمود هر چه عثمان به دیگری داده است من پس می گیرم؟! این فدک را عثمان به مروان داده است، به مروان، به فتنه گر جمل! خوب بگیر ولی حضرت نگرفت! متَّهَم می شد که اگر این 25 سال انتقادی کرده است دعوا سر زمین بوده است. امیر المؤمنین علیه السَّلام باید امامت خود را حفظ کند، نباید مورد اَتَّهَام واقع شود.

فدک پشوانه ی ولایت!

در کتاب علل السَّرابع هم چند روایت است که علّت این که امیر المؤمنین علیه السَّلام فدک را پس نگرفت بیان می کند. از امام صادق علیه السَّلام داریم که حضرت می خواست حقوق مردم را بگیرد، نمی خواست حقوق خود را استیفاء کند. این یعنی چه؟ یعنی این که متَّهَم می شود. اگر متَّهَم نمی شد... الآن اگر امام زمان سلام الله علیه تشریف بیاورند فدک را پس بگیرند کدام شیعه آهن قلت می کند؟ یعنی امیر المؤمنین علیه السَّلام متَّهَم می شد. امیر المؤمنین علیه السَّلام دید در فضای رسانه ای آن زمان متَّهَم

می شود و نخواست متهم شود. اگر کسی خود را جای حضرت زهرا سلام الله علیها قرار می داد، در آن جایگاهی که ایشان قرار داشت، شأن ایشان این نبود که راجع به یک تکه زمین بحث کند. من نمی خواهم بگویم آن تکه زمین «فیها عیونٌ نخیلٌ کثیره عیونٌ؟» نبود. نمی خواهم بگویم درآمد نداشت. فرض کنید بنده همسایه ی مرجع تقلید در قم باشم و سر جای پارک دعوا کنیم. اگر مردم در خیابان ببینند که یقه به یقه هستیم و حق هم با آن مرجع باشد، به او می گویند شأن شما این نیست، این جوان است، بدهید برود.

این که می گویم زهرای مرضیه سلام الله علیها انتحار کرد و آبروی خود را خرج کرد برای این که زبان این ها را به سمت شخصیت خود باز کرد. قطعاً حق با او بود ولی فاطمه ی زهرا سلام الله علیها چه کسی است؟ فاطمه ی زهرا کسی است که اگر فرزندان او گرسنه هستند و کافر حری به در خانه ی او بیاید غذا را به او می دهد. سجیه ی آن ها کرم است. این ها در جنگ به دشمن شمشیر می دهند. هر کسی به مدینه بیاید می داند که این خانه نه نمی گوید. «مَا قَالَ لَا قَطُّ إِلَّا فِي تَشْهُدِهِ»⁽¹⁾ این ها به کسی نه نمی گفتند. اگر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» نبود اهل بیت علیهم السلام به کسی نه نمی گفتند. یک زمین چه ارزشی دارد؟ صدیقه ی طاهره سلام الله علیها صدها مثل آن را ببخشد و امیر المؤمنین علیه السلام در دوره ی 25 ساله باغ کاشت و درست کرد و چاه درست کرد. همه را وقف کرد و هنوز هم موجود است. این یک تکه زمین چیست که

ص: 14

چون اتهامی که زهرای اطهر سلام الله علیها زده است اتهام بسیار سنگینی است. ایشان تشریف بردند؛ آن فاطمه سلام الله علیها که در حضور نابینا حجاب می کند، یک مسئله چقدر باید مهم باشد و برای این که فضای بحث از حالت مادی خارج نشود که بگویند بحث سیاسی است و فعلا صلاح نیست. اگر زهرای اطهر سلام الله علیها مستقیم می خواستند بگویند فدک یعنی ولایت... مثل الآن که می گویند بحث سیاسی است و الآن شرایط آن نیست. حضرت فرمودند نه فدک برای من است، برای نفقه ی فرزندان من است. یعنی به عنوان این که پول من را بدهید وارد می شود. بله، من هم می دانم که حضرت پشت پرده و پشت این موضوع اهدافی دارد برای همین هم مظلوم است. حضرت به عنوان این که پول ما را بدهید وارد صحنه شد و سخنرانی کرد. در آن سخنرانی هم از توحید فرمود، نبوت فرمود، فلسفه ی احکام فرمود ولی شما نمی گوید خطبه ی توحیدی ی حضرت زهرا، همه فهمیدند که این خطبه ی فدکیه است.

مناظره حضرت زهرا سلام الله علیها با ابوبکر در مورد فدک غصب شده

حضرت در ابتدا به هبه بودن آن اشاره کردند و شهود آوردند و آن ها اهن قلت کردند، بعد فرمودند اگر شهود را قبول ندارید ارث پدر من است، آن را بدهید. فرض کنید اگر بنده و خواهر بنده سر میراث مادر خود دچار اختلاف شویم، خواهر من بگوید که برای چه تو دو برابر؟! اگر دیندار باشد، حتی اگر از من هم نپرسد، او را پیش کسی که فقه می داند می بریم، او می گوید فتوای فقها است، آیه است، «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» (1) آن کسی که دیندار است می پذیرد. کسی با روایت قهر نمی کند. بگوید

ص: 15

یعنی چه، من با روایت قهر هستم. کسی نمی تواند ردّ حدیث یا ردّ آیه کند یا فرض کنيد «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» آیه نبود، روایت بود. اگر کسی دیندار است می گوید من خیال می کردم به من برابر می رسد. باشد اگر امام صادق علیه السلام فرمود، اگر پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم فرموده است، اگر قرآن فرموده است که بحثی نیست. دیندار این کار را می کند.

معنای قهر کردن چیست؟ فاطمه ی زهرا سلام الله علیها فرمودند ارث ما را بدهید. خلیفه هم گفت بله ارث داریم، ولی استثنائاً به شما ارث نمی رسد. فرمود چرا؟ ایشان گفت برای این که از پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم روایتی دارم، خود من شنیدم که ما انبیاء استثنائاً ارث نمی گذاریم، به بیت المال بدهید. طبیعت این که یک آدم با تقوا با روایتی از پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم مواجه شود چیست؟ باید بپذیرد دیگر! راوی هم این جا سلسله سند نیست، هزار سال نگذشته است، وجاده ی کتاب نیست، راوی یک نفر است. یک نفر مستقیم از پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم شنیده است. این که کسی قهر کند «فَوَجَدْتُ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ فَهَجَرْتُهُ» (1) قهر کرد، غضب کرد یعنی چه؟ یا باید کسی ناصبی باشد، نستجیر بالله بگوید ایشان برای یک تگّه زمین زیر بار حکم الهی نرفت. کما این که بعداً مجبور شدند و گفتند! از معاصرین گرفته تا قدما، بعضی از نواصب این را گفتند. یا باید این طور بگوید که نستجیر بالله چشم او دنبال اموال مردم بود یا کسی را که همچین روایتی می کرد دروغگو می دانست. وگرنه معنا

ص: 16

1-8- صحیح البخاری، باب غزوه خیبر، ج 5، ص 139؛ صحیح مسلم، باب قول النبی صلی الله علیه و آله و سلم «لا...»، ج 3، ص

1380/

ندارد فاطمه ی زهرا سلام الله علیها از روایت نبوی قهر کند. آن هم فاطمه ای که... این روایت همه شنیدند، شیعه و سنی نقل کردند. چون در آن موهم این است که حضرت محسن علیه السلام شهید نشده است، برادران اهل سنت به وفور نقل کردند و در بخاری هم است. فکر نمی کردند که چه نکته ی مهمی را نقل کردند. گفتند خوب است، در آن حضرت محسن علیه السلام پیدا نیست.

خبر دادن پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم از شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها

همه این ماجرا را شنیدید؛ حضرت زهرا سلام الله علیها خدمت پیغمبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم رفتند. پیغمبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم چیزهای مخفیانه فرمودند و ایشان گریه کردند. بعد چیزهایی فرمودند و ایشان لبخند زدند. وقتی داشتند برگشتند دختر خلیفه ی اول، همسر پیغمبر گفت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چه فرمود؟ حضرت این جا طعن زدند؛ فرمودند من مثل کسانی که اسرار پیغمبر را فاش می کنند نیستم! چون در سوره ی تحریم معلوم است که چه کسانی اسرار پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم را فاش کردند. این در صحیح بخاری است. وقتی پیغمبر از دنیا رفت آمدند پرسیدند. فرمود حالا که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت من می گویم. پیغمبر به من فرمودند من به زودی از این دنیا می روم و من به خاطر فراق پدر خود گریه کردم. بعد به من بشارت دادند که «أَنْتِ أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِي لِحُوقًا بِي» (1) تو اولین شخص از اهل بیت علیهم السلام من هستی که به من ملحق می شوی. برادران غیر شیعه دیدند چون این «اولین نفر از اهل بیت من

ص: 17

هستی»، با تعریف آن‌ها سازگار نیست. اهل بیت علیهم السلام مثل ما پنج تن که نیست، با تعریف آن‌ها اهل بیت علیهم السلام نزدیکان پیغمبر هستند؛ حضرت زهرا و فرزندان او. پس اولین کسی که به من ملحق می‌شود، یعنی قبل از این کسی دیگر ملحق نشده است، پس حضرت محسن سلام الله علیه شهید نشده است. این چیز خوبی است، لذا در بخاری و در جاهای دیگر هم است. برای این که خیلی چیز خوبی است، معلوم می‌شود حضرت محسن شهید نشده است، بلکه ادعای شیعه‌ها است. توجه نکردند که این حرف چه برهانی است!

عَلَّتْ پافشاری حضرت زهرا سلام الله علیها بر مطالبه ی فدک

من دیدم یک آقای می‌گفت من تارک صلاه هستم، مدام اهل تار و تنبور بودند. به او گفتند اگر به تو بگویند بعد از ظهر بمیری یا دوروز دیگر چه کار می‌کنی؟ گفت سعی می‌کنم بروم حلالیت بطلبم، برگردم کمی مناجات کنم. آن فاطمه ی بضعه الرسول، سیده ی نساء اهل الجنه سلام الله علیها که همه ی شما می‌دانید به الهام الهی خبر دارد که این قدر زنده نیست، اصلاً جا دارد یک ناصبی به خود اجازه دهد و بگوید برای مال دنیا که حق او نبود پافشاری کرد؟ برای شیعه‌ها که مسئله روشن است. می‌خواهم چه عرض کنم؟ می‌خواهم بگویم حل مسئله ی حضرت زهرا علیه السلام برای آقایان خیلی بغرنج است. برای چه عرض می‌کنم اصطکاک سنگین است؟ هر چه من بخواهم در الفاظ ادب به خرج دهم محتوای مسئله خیلی سنگین است. فاطمه ی زهرا سلام الله علیها که به الهام نبوی، از جانب خدا، «ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى»⁽¹⁾ به او فرموده است که شما این قدر زنده نیستید! یعنی برای یک تگّه

ص: 18

زمین حاضر است نستجیر بالله روایت رسول خدا را کنار بزنند؟! کسی که ناصبی نباشد می تواند این را بگوید؟ بن عثیمین از مفتیان برجسته ی عربستان است که این حرف را زده است و نستجیر بالله نسبت بی عقلی به حضرت زهرا سلام الله علیها داده است. سال 1421 از دنیا رفته است. یعنی بعد از 1400 سال نمی تواند مسئله را حل کند، باید دشمنام دهد. چرا؟ چون این را نخواهد بگوید پس چه بگوید! باید بگوید فاطمه ی زهرا سلام الله علیها نسبت غصب و دروغ داد. من چه لفظ مؤذبانه ای به جای این دو کلمه به کار ببرم! بعد هم کوتاه نیامد، قهر کرد!

علت دفن شبانه ی حضرت زهرا سلام الله علیها

یک عبارتی در کتاب صحیح بخاری است که همه شما دیدید، ولی کمی روی آن تمرکز کنید. این که من می گویم، کاری که حضرت زهرا علیه السلام کرده است مهم است که حالا فردا عرض کنم که اهمیت آن در بحث عقاید ما کجا است. بعد از این عبارت، از بخاری و دیگران نقل کردند که «فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمَهُ»⁽¹⁾ زهرای اطهر علیه السلام قهر کرد و با او سخن نگفت، «حَتَّى تُؤْفِيَتْ» تا از دنیا رفت. «فَلَمَّا تُؤْفِيَتْ دَفَنَهَا زَوْجُهَا عَلِيُّ لَيْلًا» امیر المؤمنین علیه الصلاه و السلام ایشان را شبانه دفن کردند. چند نفر در تشییع شرکت نکردند؟ هفت نفر شرکت کردند! هفت هزار، چند هزار شرکت نکردند، ولی راوی می داند چه اتفاقی افتاده است. می گوید: «وَلَمْ يُؤْذَنْ بِهَا أَبًا بَكْرًا» این همه آدم، چرا این یک نفر را اسم می برید؟ سر آن این است که اگر یک شخصیت برجسته ای از دنیا برود، حاکم مسلمین، نفر اول شهر... اگر فقیه اول

ص: 19

1-11- صحیح البخاری، باب غزوه خیبر، ج 5، ص 139؛ صحیح مسلم، باب قول النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «لا...»، ج 3،

تهران از دنیا برود، ولی فقیه به او نماز می خواند. اگر همسر امام رحمت الله علیه از دنیا برود، اگر یک مرجعی در قم از دنیا برود یک شخصی در آن سطح باید بیاید نماز بخواند. هفت هزار نفر اگر نیامدند این قدر اهمیت ندارد. جای خالی خلیفه ی اول حس می شود. برای همین هم می گوید او نیامد، به او اذن ندادند. آقا مگر به این هفت هزار نفر دیگر اذن دادند؟ نه به آن ها اذن ندادند، ولی طعنه به او است.

این ضربه این قدر سنگین بود که بعدها که ابن مسعود که با عثمان دعوا کرد و کتک خورد، صبح که عثمان آمد... ابن مسعود از پنج یا شش نفر صحابی اول سابق در اسلام است. عثمان وضو و غسل خود را مهیا کرده بود، آمد که به ابن مسعود نماز بخواند، گفتند دیشب دفن شد. گفت چه کسی چنین غلطی کرده است؟ گفتند عمار. کسی جز عمار جرأت نداشت! جلوی مردم شروع کرد... عمار برای خود یک مرجع تقلید است. شروع به کتک زدن کرد! اثر تخریبی کاری که حضرت زهرا کرده است معلوم است. روشن است که تقلید شده است.

بیعت نکردن حضرت زهرا علیه السلام و سقوط حکومت 25 ساله ی خلفا

این عبدالله العالیلی که مورخ مصری است، می گوید نه دلیل باعث شد که حکومت بنی امیه که خوب آن ها معاویه بود، صد و چند سال عمر کرد! حکومت بنی عباس چهارصد و خورده ای، پانصد سال عمر کرد! حکومت خلفا 25 ساله طوری سقوط کرد که نفر سوم 40 روز محاصره بود و تشنه با مثله کردن او را کشتند که امیر المؤمنین علیه السلام که او را قبول نداشت فرمود شما اسراف کردید. برای

چه مثله کردید؟ امیر المؤمنین علیه السلام نه دستور به قتل او داد و از آن طرف هم او را مهدور الدّم می دانست. چون در نهج البلاغه و جاهای دیگر داریم که حضرت فرمود کسانی که عثمان را یاری کردند کار خوبی نکردند. یک نفر را دارند می کشند و فرمود آن کسانی هم که او را یاری نکردند کار بدی نکردند. دیگر حضرت به چه زبانی باید بگوید! به همین تعبیری که عرض کردم نگاه کنید وجود دارد. ولی فرمود اسراف کردید، برای چه مثله کردید؟ برای چه او را تشنه کشتید؟ او را محاکمه می کردید و می کشتید. حضرت هیچ تحریکی هم فرمودند. ابداً نه تحریک کردند. ما آن ماجرای دفاع را هم قبول نداریم، چون خود حضرت دفاع را قبول ندارند. نه دفاع کردند و نه تحریک کردند.

این العالیلی می گوید برای چه باید حکومت 25 ساله ی خلفا سقوط کنند؟ آن هم با این وضع که نگذارند در قبرستان مسلمین آن ها را دفن کنند! می گوید نه دلیل داشت؛ اولی بیعت نکردن فاطمه بود که پایه های مشروعیت این ها را منهدم کرد. حالا بعداً کمی بیشتر به این می پردازم. بالاخره شما به دعواهای آخوندی... دو تافقیه با هم اختلاف فقهی دارند. یکی اهل مکتب تفکیک است و یکی اهل مکتب فلسفه است. اصلاً مردم متوجه نمی شوند که این آقایان چه می گویند. می گویند هر دو خوب هستند، نماز اول وقت می خوانند، ولی یک اختلاف نظرهایی هم دارند. اما همه ی عالم و اسکیموها هم می فهمند که اگر یک نفر دزد و دروغگو باشد به درد حکومت نمی خورد و ادّعی زهرای اطهر سلام الله علیها این بود. قهر

کردن یعنی چه؟! می خواهید این را چطور تعبیر کنید! یعنی یا باید به او جسارت کنند یا از خلیفه این دو تا وصف را نمی شود اسقاط کرد. این خیلی هم بغرنج است، چون هر دو صحابی هستند و غیر شیعه بخوانند به سمت هر کدام بروند نمی دانند که چه کار باید بکنند. برای همین است که حضرت زهرا علیه السلام باید بایکوت شود. برای همین است که در طول سال به ایشان جسارت می شود.

جنبه ی سلبی و ایجابی بودن قیام حضرت زهرا سلام الله علیها

إن شاء الله فردا این را تکمیل کنیم عرض می کنیم. خلاصه آن چیزی که فردا می خواهم بگویم جمع بندی کنم و وارد روضه شوم این که قیام زهرا اطهر سلام الله علیها قابل قیاس نیست حتی با غدیر! این حرکت حضرت زهرا سلام الله علیها که پشتوانه ی آن از رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم است به کلّ 23 سال معرفّی امیر المؤمنین می ارزد. غدیر جنبه ی ایجابی دارد که چه کسی مولا است. حالا این قدر هم می شود روی آن بحث کرد. قیام حضرت زهرا سلام الله علیها هم جنبه ی ایجابی دارد و هم سلبی! یعنی چه کسی مولا است و چه کسی نیست. چه کسی حقّ اداره ندارد و چه کسی حق دارد. هر دو؛ هم سلب کرده است و هم اثبات کرده است. در خطبه ی فدکیّه هم از امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است و هم فرموده است «ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النَّفَاقِ»⁽¹⁾ این طور نیست که شما بعد از پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم بحران امنیتی پیدا کرد، ناگهان چه کار کنید، فلتنه شد، چه شد، حالا یک نفر را سر کار بیاوریم! یعنی شما بذر نفاق را کاشتید.

ص: 22

طول می کشد تا سبز شود. حالا که از خاک پیدا شده است و سبزی آن پیدا شده است «ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَبُ الْنِّفَاقِ» شما برنامه ریزی کرده بودید. حضرت اَتَّهَام نفاق و کذب و سرقت و غصب می زند. دیگر چه کار باید بکنند! اصلاً نیازی نیست در بحث های فدک از ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بگوییم که غرض ولایت است! غرض ولایت بود، ولی بحث مالی آن... اصلاً نمی شود جمع کرد.

شهادت بانوی دو عالم، حضرت فاطمه ی زهرا سلام الله علیها

این روزها می رفت، همه کاری کرد. من توان آن را ندارم که جاهای سخت آن را بیان کنم. إن شاء الله بهتر از من برای شما می خوانند. بدن خود را سپر امیر المؤمنین علیه الصّلاه و السلام قرار داد، آبروی خود را خرج امیر المؤمنین علیه السلام کرد. سر قبر حمزه ی سید الشّهداء علیه السلام می رفت. چرا بیشتر سر قبر پیغمبر نمی رفت؟ او که مهم تر بود. چون امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «لَوْ كَانَ بِهِمْ حَمْزَةٌ أَوْ أَخِي جَعْفَرٌ مَا بَايَعْتُ كُرْهَا» (1) اگر عمومی من حمزه بود من این طور غریب نمی شدم. فاطمه ی زهرا سلام الله علیها سر قبر حمزه ی سید الشّهداء می رفت و می گفت جای تو خالی است، اگر تو بودی این اتفاق نمی افتاد. سر قبر حمزه گریه می کرد. یعنی بلکه یک مرد پیدا شود و بیاید میدان داری کند. به گریه ی او رحم نکردند، چون ضربه ای که به حیثیت آن حکومت زد این ها را نابود کرد. لذا آمدند اعتراض کردند و گفتند خسته شدیم، چقدر گریه می کند.

بدن مبارک او دیگر بی حال شد، روبه وخامت گذاشت، حضرت دیگر نمی توانست بنشینند. «ذَابَ لَحْمُهَا» (2) گوشت بدن مبارک ایشان آب شده بود. «وَنَحَلَ جِسْمُهَا» بدنی دیگر باقی نمانده بود.

ص: 23

1-13. -المستترشد فی إمامه علی بن ابی طالب علیه السلام، ص / 417

2-14. -مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 2، ص / 361

«وَصَارَتْ كَالْخَيْالِ» شبیه بدن بود. یک روز امیر المؤمنین علیه السلام به خانه آمد. خدا این شاء الله این طور نیاورد که مردی در خانه ی خود همسر بیمار داشته باشد. آن هم امیر المؤمنین علیه السلام که خود را مدیون حضرت زهرا سلام الله علیها می داند. هر کسی در این اسلام از جمله پیغمبر همه نسبت به امیر المؤمنین علیه السلام دین دارند. امیر المؤمنین علیه السلام از جان همه حفاظت کرده است. به منزل آمد دید زهرای اطهر سلام الله علیها گریه می کنند. برای امیر المؤمنین علیه الصلاه و السلام خیلی سخت است. نکند برای دست مجروح خود گریه می کند؟ نکند سینه ی مبارک بهشتی درد می کند؟ آمد سر او را به دامن گرفت و عرض کرد: «يَا سَيِّدَتِي مَا يُبْكِيكِ» (1) سیده ی من چرا گریه می کنی؟ حجاب کرد. هیچ وقت بیان نکرد. امیر المؤمنین علیه السلام عرض کرد یا رسول الله خود شما بیاید پرسید. زهرای اطهر سلام الله علیها نگاه به امیر المؤمنین علیه السلام کرد و فرمود: «أَبْكِي لِمَا تَلْفَى بَعْدِي» برای غربت تو گریه می کنم.

دستم اگر شکسته شد در ره یاریت چه غم باش که دارم آرزو سر شکنم برای تو

ص: 24

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

